و هیچ مرد و زن مؤمنى را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کارى فرمان دهند، براى آنان در کارشان اختیارى باشد؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانى کند قطعاً دچار گمراهى آشکارى گردیده است. (36) و آنگاه که به کسى که خدا بر او نعمت ارزانى داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودى، مى‌گفتى: «همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار» و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود، در دل خود نهان مى‌کردى و از مردم مى‌ترسیدى، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسى. پس چون زید از آن [زن‌] کام برگرفت [و او را ترک گفت‌] وى را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده‌] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان -چون آنان را طلاق گفتند- گناهى نباشد، و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد. (37) بر پیامبر در آنچه خدا براى او فرض گردانیده گناهى نیست. [این‌] سنّت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان [معمول‌] بوده، و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر [و متناسب با توانایى‌] است. (38) همان کسانى که پیامهاى خدا را ابلاغ مى‌کنند و از او مى‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. و خدا براى حسابرسى کفایت مى‌کند. (39) محمّد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولى فرستاده خدا و خاتم پیامبران است. و خدا همواره بر هر چیزى داناست. (40) اى کسانى که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یادى بسیار. (41) و صبح و شام او را به پاکى بستایید. (42) اوست کسى که با فرشتگان خود بر شما درود مى‌فرستد تا شما را از تاریکیها به سوى روشنایى برآورد، و به مؤمنان همواره مهربان است. (43)